

بسم الله الرحمن الرحيم

## حکومت اسلامی ایران، حکومت مهدوی یا علوی

**چکیده:**

۱- اسلام منهای رهبری جامع‌الشرایط و منطبق با معیارهای اسلامی، نه تنها هدایت‌گر جامعه محسوب نمی‌شود و با منافع و سلطه مستکبران تضاد و تقابلی ندارد، بلکه چه بسا با تحریف محتوایی در دین و حکومت و نظام اسلامی و به انحراف کشاندن احساسات و عواطف دینی مردم، توجیه‌کننده ظلم و تعدی طاغوت‌ها و نظام طبقاتی تحمیل‌شده به وسیله قدرت‌های استعمارگر باشد.

۲- در بیش از چهار دهه گذشته، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها بین عموم مردم به‌ویژه جریان انقلابی، فاصله بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها بوده است. این فاصله در نظام کنونی چگونه قابل تبیین و توجیه است؟ آیا این فاصله

نشان‌دهنده ناکارآمدی نظام و مسئولین نظام است یا علامت هشدار برای دست کشیدن از آرمان‌ها است و یا یک امر طبیعی است؟

۳- برای برپایی حکومت قبل از ظهور هم عِدّه و غَدّه، هم مدیران لایق و کارآموده و هم اطاعت و فرمان‌برداری از ولی فقیه امری ضروری است. اما نباید فضا را آرمانی ترسیم کرد و همه مسئولان را در تراز سربازان درجه‌یک امام زمان لحاظ کرد.

۴- تورق سیره حکومت حضرت علی (ع) و نمود یافتن افراد ناشایست در دوران حکومت حضرت، به معنای ناکارآمدی حکومت ایشان نیست چراکه حکومت آن حضرت و همچنین حکومت نظام جمهوری اسلامی، کارآمد بوده و هست اما مسئله مورد توجه نه در تشکیک ناکارآمدی آن‌ها، بلکه فاصله‌ای است که در این حکومت‌ها میان واقعیت‌ها و آرمان‌ها وجود دارد.

۵- سخت بودن تحقق عدالت مطلق در جامعه اسلامی قبل از ظهور حضرت حجت، عدم همراهی مردم، ریزش برخی انقلابیون، منافقان و دشمنان داخلی و خارجی و همچنین کمبود افراد متعهد و کارآمد در مجموعه حکومت اسلامی از جمله مواردی است که راه را برای رسیدن به همه آرمان‌ها در حکومت اسلامی ناهموار می‌کند.

۶- ولایتمداری الزاماتی دارد که با رعایت این الزامات، خیلی از آرمانها دست یافتنی خواهد بود که مهم ترین آن عبارت از: اطاعت و وفاداری عملی و اطاعت کامل از رهبری و پرداخت هزینه های ولایت پذیری و فهم اندیشه و اقدام به موقع در راستای همراهی کامل با ولی امر.

**مقدمه:**

یکی از ارکان اساسی انقلاب اسلامی، رهبری ولایت فقیه هست. رهبری عامل بیداری و جوشش توده‌ها و محور وحدت و انسجام مردم بشمار می‌آید. ترسیم سیاست‌های کلی نظام و اتخاذ تدابیر و موضع‌گیری‌های قاطعانه، سازش‌ناپذیری در برابر توطئه‌ها و دشمن‌شناسی از ویژگی‌های برجسته رهبری جامعه اسلامی است که در دوران سخت مبارزه، بیشترین نقش را در شناساندن دشمن و تعیین مسیر و شیوه‌های مبارزه با آنان دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی رهبری حضرت امام (ره) و بعدازآن رهبر معظم انقلاب، مهم‌ترین تأثیر را در استمرار و استقامت بر اصول و ارزش‌های انقلابی و لغزش زدایی، ثبات، امنیت، پیدایش نهادهای انقلاب، اقتدار حکومت، وحدت امت اسلامی و خنثی‌سازی نقشه‌های فراوان دشمنان داشته است.

بر همین اساس دشمنان نظام جمهوری اسلامی، در زمان‌های مختلف و به بهانه‌های مختلف، رهبری نظام اسلامی را مورد حمله قرار داده و در جهت تضعیف جایگاه رفیع آن از تمامی ابزارها استفاده نموده است.

بر همگان مبرهن است که ستون خیمه انقلاب، ولی فقیه است و بر این امر دشمنان نظام نیز بارها تأکید داشته و دارند که ماه‌ها و سال‌ها برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و اسلام ناب، میلیاردها دلار هزینه کرده‌اند اما اعتقاد مردم به ولایت فقیه و مدیریت مدبرانه شخص ولی فقیه توانسته است تمامی توطئه‌ها و سیاست‌های خبیثانه نظام سلطه را خنثی نماید.

وقتی در مدت بیش از چهار دهه نتوانسته‌اند با روش‌های مختلف اقتصادی و نظامی، تفکر ولایت فقیه را در اذهان ملت ایران تضعیف کنند؛ جنگ شناختی تمام‌عیار علیه این جایگاه عظیم راه انداخته‌اند و درصدد شبهه پراکنی مبنی بر گره‌زده مشکلات کشور به نوع مدیریت رهبری در بین عموم مردم از یک‌سو و افزایش مطالبات جریان انقلابی مبنی بر خلوص گرایی و آرمانی دیدن جامعه اسلامی از سوی دیگر برآمده‌اند.

### **رهبری انقلاب، عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی**

در یک تعریف «هر چیزی که، نقطه قوت برای کشوری و نقطه تهدید برای کشور رقیب یا دشمن محسوب شود و بتواند نقش بازدارندگی را برای کشور دارنده آن بازی کند»، عمق استراتژیک محسوب می‌شود. اسلام منهای رهبری جامع‌الشرایط و منطبق با معیارهای اسلامی، نه تنها هدایت‌گر

جامعه محسوب نمی‌شود و با منافع و سلطه مستکبران تضاد و تقابلی ندارد، بلکه چه بسا با تحریف محتوایی در دین و حکومت و نظام اسلامی و به انحراف کشاندن احساسات و عواطف دینی مردم، توجیه‌کننده ظلم و تعدی طاغوت‌ها و نظام طبقاتی تحمیل شده به وسیله قدرت‌های استعمارگر باشد. و این همان اسلام آمریکایی، سلطنتی و شاهنشاهی است که امام خمینی<sup>(ره)</sup> و مقام معظم رهبری بارها به آن اشاره داشته‌اند. امروز دشمنان این ملت، عمق استراتژیک نظام را مورد هدف قرار داده‌اند و در تلاش‌اند با تضعیف رهبری نظام، کشور را دچار چالش‌های امنیتی و سیاسی کنند.

### فاصله بین واقعیت‌ها و آرمان‌ها

در بیش از چهار دهه گذشته، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها بین عموم مردم به‌ویژه جریان انقلابی، فاصله بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها بوده است. قضاوت پیرامون این دو مؤلفه یکی از موضوعات بسیار مهم است. اینکه آیا حکومت ولایی با توجه به شرایط باید حکومت علوی مبتنی بر واقعیت‌ها باشد یا حکومت مهدوی آرمانی؟

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم در این خصوص فرموده‌اند:

«بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را

عذاب داده و می‌دهد. اما این فاصله طی شدنی است و در ۴۰ سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.»

این فاصله در نظام کنونی چگونه قابل تبیین و توجیه است؟ آیا این فاصله نشان‌دهنده ناکارآمدی نظام و مسئولین نظام است یا علامت هشدار برای دست کشیدن از آرمان‌ها است و یا یک امر طبیعی است؟

در این خصوص می‌بایست به دو مسئله مهم توجه کرد. اول مربوط به نظام اسلامی با حاکمیت ولی فقیه است و دیگری مربوط به منطق مدیریتی ولی فقیه در این نظام است. اینکه چرا رهبری نسبت به مشکلات کاری نمی‌کند. اینکه چرا در خصوص برخی عزل و نصب‌ها عکس‌العملی نشان نمی‌دهد؟ چرا علیرغم انتصاب مسئولین در برخی نهادها توسط معظم له، همانند صداوسیما و قوه قضائیه یا ... ضعف‌های اساسی در آن‌ها مشاهده می‌کنیم؟ چرا شخص رهبری همانند امام علی<sup>(ع)</sup> قاطعانه برخورد نمی‌کند؟ و ده‌ها چرای دیگر. اینکه این مسائل مربوط به نظام اسلامی با حاکمیت ولی فقیه است یا به مدیریت شخص ولی فقیه؟

درست است که در حکومت اسلامی، انتصاب مسئولان کارآمد و سالم امری علی‌حده و مهم است اما در برخی مواقع انتصاب افراد فاقد شایستگی مطلق، نسبت به مسئولیت‌ها امری بدیهی است که مکرر در حکومت حضرت علی (ع) نیز شاهد بوده‌ایم. و این به معنای آن نیست که کلیه مسئولین حکومت اسلامی، افرادی کامل و بی‌نقص هستند. و انتصاب یک فرد به معنای تأیید همه کارها و اقدامات او نیست.

تورق سیره حکومت حضرت علی (ع) و انتصاب افراد ناشایست در دوران حکومت خویش، به معنای ناکارآمدی حکومت ایشان نیست چراکه حکومت آن حضرت و همچنین حکومت نظام جمهوری اسلامی، کارآمد بوده و هست اما مسئله موردتوجه نه در تشکیک ناکارآمدی آن‌ها بلکه فاصله‌ای است که در این حکومت‌ها میان واقعیت‌ها و آرمان‌ها وجود دارد.

### **دلایل عدم دستیابی به همه آرمان‌ها در حکومت اسلامی**

در هیچ حکومتی متولیان امر نتوانستند به تمام آرمان‌ها دست پیدا کنند و حکومت اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیست. در این مقوله، نقش کارگزاران و مردم بسیار مهم است.



دلایلی مختلفی وجود دارد که در حکومت اسلامی رسیدن به تمامی آرمان‌ها را امری سخت می‌کند.

۱- **برخی آرمان‌ها مثل عدالت مطلق، دست نیافتنی است.** برقراری عدالت در جامعه بشری وزندگی برمدار مناسبات عادلانه و نیز چگونگی تحقق عدالت در تمام ابعاد آن، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و آرزوهای بشر در طول تاریخ بوده و هست. یکی از ویژگی‌های حکومت اسلامی و جامعه مسلمان، برقراری عدالت در تمام ابعاد آن است و اما اینکه چقدر برای اجرای عدالت در جامعه اسلامی با توجه به متغیرهای مختلف تلاش صورت می‌گیرد نکته بسیار مهمی است که باید به آن توجه کرد. مقام معظم رهبری در اهمیت و جایگاه بحث عدالت در حکومت‌ها معتقد است: «عدالت به‌طور مطلق موردنیاز و مورد مطالبه‌ی جامعه است. نه این‌که به‌طور مطلق می‌توان عدالت را تحقق بخشید، یا ما آن آدم‌هایی هستیم که می‌توانیم. اما عدالت باید به‌طور مطلق مطرح شود تا هر مقدار که می‌توانیم پیش برویم..»<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دیدار مسئولان صداوسیما تاریخ ۱۵/۱۳۸۱/۱۱

۲- **تزاحم یا مصلحت بالاتر:** ابقا یا عزل ابوموسی اشعری در سیره امیرالمؤمنین (ع) نمونه‌ای از مواردی است که حکومت اسلامی را در روند اجرای حاکمیت ناب دچار معطلی کرده است. او که از مخالفان مشهور حضرت علی (ع) بود در زمان عمر حاکم بصره و در زمان عثمان حاکم کوفه بود. حضرت علی (ع) تا جنگ جمل در حکومت کوفه ابقا کرد و در آستانه جنگ جمل به عایشه پیوست و حضرت نامه‌ای به او می‌فرستد و دستور می‌دهد که کوفیان را آماده جنگ کند اما ایشان مخالفت می‌کند و حضرت وی را عزل می‌کند اما بازهم کناره‌گیری نمی‌کند و حضرت امام حسن مجتبی (ع) و عمار را فرستاد و بعد هم مالک اشتر را فرستاد تا وی را از حکومت عزل می‌کند.

در این فقره، عدم اقدام سریع حضرت به خاطر تزاحمی بود که با مصلحت مهم‌تر داشت زیرا عزل سریع او ایجاد فتنه بیشتری در بین سربازان جنگی حضرت می‌شد.

نمونه دوم ماجرای حکمیت و بازگشت مالک از درب خیمه معاویه است. حضرت علی (ع) علیرغم میل باطنی خود تن به قبول ابوموسی اشعری به‌عنوان حکم داد و همین امر باعث شد تا اجرای حاکمیت اسلامی

دچار خدشه شود. معاویه و مشاورش عمرو عاص با اجرای خدعه و نیرنگ، یاران امام علی (ع) را دچار تردید کرده و مطالبه غیرمعقول از امام مبنی بر بازگشت مالک از صحنه جنگ را خواستار می‌شوند. در این اتفاق، قطعاً مصلحتی بالاتر از نابودی معاویه که همان جلوگیری از تفرقه در بین مسلمانان و حفظ اسلام و جان امام بوده است وجود داشته است.

در دوران حکومت اسلامی ایران نیز اتفاقات مشابهی از این دست بوده است که حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری به دلیل تزامم یا مصلحت بالاتر تصمیماتی گرفته‌اند. قبول قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر اتمام جنگ تحمیلی توسط امام خمینی (ره) نمونه‌ای از این اتفاقات است. و یا طرح استیضاح رئیس‌جمهور توسط برخی اشخاص و جریان‌های سیاسی که مقام معظم رهبری به دلیل شرایط خاص جامعه و مصلحت کلان‌تر اجازه طرح آن را ندادند.

امام خمینی (ره) عواقب غفلت از مصلحت نظام را یادآور می‌شود و می‌فرماید: مصلحت نظام، امور مهمه ای است که گاهی غفلت از آن، موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد ... مصلحت نظام و مردم از امور مهم ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در

زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال ببرد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبران را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند.<sup>۲</sup>

۳- **عدم همراهی مردم:** حضرت علی (ع) در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه فرمودند: « يَا أَشْبَاهَ الرَّجَالِ وَ لَا رِجَالَ ... وَ لَكِنَّ لَا رَأَى لِمَنْ لَا يُطَاع » کسی را که از او فرمان نمی‌برند چه رأی و اندیشه‌ای تواند بود! در آخرین فراز این خطبه امام هم چنان تازیانه‌های ملامت و سرزنش را پی‌درپی بر روح مردم کوفه و لشکریانش می‌زند تا شاید این خواب‌آلودگان سست‌عنصر از خواب غفلت بیدار شوند و چشمان خود را باز کنند و ببینند در چه شرایط مرگباری گرفتارند، شاید که بر پا خیزند و با یک جهاد مردانه و خداپسندانه دست شامیان غارتگر را از کشور اسلام قطع کنند.

حضرت علی (ع) در ماجرای حکمیت در فرازی می‌فرماید: « این است جزای کسی که پیمان محکم با امام خود را واگذارد ... می‌خواهم به‌وسیله شما بیماری را درمان کنم ولی شما درد بی‌درمان من شده‌اید و وضع من

۲. صحیفه امام ج ۲۱ ص ۸۵

مانند کسی است که می‌خواهد خاری را که در عضوی فرورفته را با خار دیگر درآورد و حال آنکه می‌داند آن خار در جای خار اول می‌شکند...»<sup>۳</sup> تحقق امنیت پایدار در کشور جز با همراهی و مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست. تغییرات در سبک زندگی باعث بالا رفتن مطالبات غیرمنطقی در برخی مواقع می‌شود و همین امر باعث می‌شود مردم نتوانند ضرورت‌های تصمیم‌گیری حاکمان اسلامی را خوب بفهمند که نتیجه آن عدم همراهی با حکومت اسلامی می‌شود.

۴- **ریزش برخی انقلابیون:** امثال طلحه و زبیرها در صدر اسلام و میرحسین‌ها و کروبی‌ها و خاتمی‌ها در دوران انقلاب اسلامی نمونه‌ای از ریزش خواص در جامعه اسلامی است. هرچند رویش‌های بسیار زیادی داشته‌ایم اما همین ریزش‌ها باعث می‌شود مردم به دنبال خواص بی‌بصیرت حرکت کرده و حاکم اسلامی را در رسیدن جامعه و رساندن مردم به آرمان‌ها دچار چالش اساسی کند.

---

۳. خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه

برخی انقلابیون به شدت آرمان‌گرا هستند. شدت آرمان‌گرایی موجب ریزششان می‌شود و وقتی انقلاب و نظام را در موقعیت‌هایی می‌بینند، چون ظرفیت ندارند، ریزش می‌کنند. نقدهایشان هم متوجه آرمان‌های انقلاب می‌شود. عده‌ای دیگر نیز «واقع‌گرای محض» هستند و چون نمی‌توانند در فضای آرمانی زندگی کنند ریزش پیدا می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «معمولاً از راه برگشته‌ها و آنان که گرفتار ریزش شده‌اند توجیهاتی هم دارند. آن‌ها «برای وادادگی بهانه می‌آورند، برای پشیمانی بهانه می‌آورند؛ بهانه هم این است که دنیا تغییر کرده، همه چیز عوض شده است.»<sup>۴</sup>

در چندین جای دیگر معظم له به مسئله ریزش‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: «بعضی‌ها بانام عقلانیت، بانام اعتدال، بانام پرهیز از جنجال و دردسر بین‌المللی، می‌خواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمی‌شود؛ این نمی‌شود. این نشانه‌ی بی‌صبری و نشانه‌ی خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را - که خودشان خسته شده‌اند - به مردم

---

۴. بیانات رهبری در ۱۳۹۲/۰۶/۲۶

نسبت می‌دهند.»<sup>۵</sup> «عده‌ای خیال کردند انقلاب کهنه شد یا کهنه شدنی است. اعلام کردند انقلاب تمام شد! خودشان تمام شده بودند؛ خودشان ذخیره‌شان ته کشیده بود، قادر به ادامه‌ی راه نبودند؛ دنیا را، جامعه را، انقلاب را با خودشان قیاس کردند؛ اشتباه کردند.»<sup>۶</sup> اما «حقیقت قضیه این است که طاقت نیاوردند! اینکه کسی بخواهد وانمود کند که ما نگاه کردیم، دیدیم این انتخاب بهتر از آن انتخاب است؛ نه خیر، این نیست. رفتن در این راه، ماندن در این راه طاقت می‌خواست، طاقت نیاوردند.»<sup>۷</sup>

بنابراین نظام ولایی بی‌تفاوت نیست. شرایط مهم است. فاصله بین واقعیت‌ها و آرمان‌ها به‌هیچ‌وجه به معنای تسلیم در برابر منطق واقعیت‌ها نیست بلکه اتفاقاً در چنین شرایطی، تکلیف نیروهای آرمان‌گرا و انقلابی برابر مبارزه با شرایط و واقعیت‌هایی که با آرمان‌ها فاصله‌دارند بیشتر است.

---

۵. بیانات رهبری در ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

۶. بیانات رهبری در ۱۳۸۹/۰۶/۳۱

۷. بیانات رهبری در ۱۴۰۱/۰۳/۰۴

## حضرت ابوالفضل العباس بهترین شاخص ولایتمداری

در روایتی از امام صادق (ع) در خصوص حضرت ابوالفضل العباس<sup>(ع)</sup>

آمده است: «كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبْلَى بَلَاءَ حَسَنًا وَ مَضَى شَهِيدًا»<sup>۸</sup> عموی ما ، عباس ، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود ؛ همراه با امام حسین علیه السلام جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید.

در زیارت آن حضرت آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْكُلْ وَ أَنَّكَ

مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ»<sup>۹</sup> شهادت می دهیم که تو (در راه یاری برادرت) سست نشدی و عقب نشینی ننمودی و تو درحالی که دارای بصیرت بودی دنیا را ترک نمودی.

مهم ترین ویژگی حضرت این بود که در زمان ظلمات فکری حق و

باطل، راه درست را تشخیص داد و کارهای با اولویت و بدون اولویت را از

همدیگر تشخیص داد. و کسی که بتواند دارای چنین ویژگی ای برجسته ای

باشد قطعاً در بزنگاه می داند که امام زمانش چه می خواهد؟ رسالت امام

۸. عمدة الطالب، ص ۳۵۶

۹. مفاتیح نوین، ص ۳۸۸



زمانش چیست؟ توقع امامش چیست؟ جنگ و صلح، کار فرهنگی و یا مهاجرت تمامی این افعال بر اساس خواسته امام زمانش می‌شود.

شهید آوینی می‌گوید: زمانه عجیبی است! برخی مردمان، امام گذشته را عاشقاند، نه امام حاضر را... میدانی چرا؟؟؟ امام گذشته را هرگونه که بخواهند تفسیر می‌کنند!!! اما امام حاضر را باید فرمان برند!!! و کوفیان این‌گونه عاشورا را رقم زدند...

فرد بصیر می‌بایست امام حاضر را فرمان ببرد. امام حاضر را نمی‌شود تفسیر کرد هنر در این است که افراد پای‌کار امام حاضر باشند.

برخی به نوع عملکرد امام حسن مجتبی (ع) ایراد می‌گرفتند؛ چون نمی‌توانستند نسبت به دستورات و رفتار امام حاضر فهم درستی داشته باشند. زمانی که فرمود باید جنگ صورت بگیرد فردی مثل ابن عباس در مقابلش جبهه می‌گیرد و حتی زمانی که امام زمان دلیل مأموریتش را بیان می‌کند باز همراهی نمی‌کنند.

در زمان امام صادق ع نیز عده‌ای مطالبه قیام داشتند چراکه نمی‌توانستند دلایل اصلی رفتار امام زمان را تشخیص بدهند چون فاقد بصیرت نافذ بودند.

یا به امام رضاع ایراد می گرفتند چرا به ایران می روی؟! حتی بعضاً هم نه فقط اعتراض می کردند بلکه از کاروان امام زمان جدا می شدند. اینجاست که امثال حضرت ابوالفضل (ع) یا افرادی مثل مسلم بن عقیل یا حضرت زینب (س) با تشخیص به موقع و درست شرایط و با دارا بودن بصیرت نافذ، سره را از ناسره تشخیص داده و در کنار امام زمانشان ایستادند.

### مطالبه امام زمان در شرایط کنونی<sup>۱۰</sup>

امروز مطالبه امام زمان (عج) چیست؟ امام زمان در شرایط کنونی چه توقعی از خواص جامعه و عموم مردم دارد؟ این سؤال بسیار مهمی است که باید به آن پاسخ داد.

آیا می توانیم بگوییم چون امام زمان حکومت ظاهری ندارد تنها کارکردش دستگیری مستمندان و شیعیان در اقصی نقاط دنیاست؟! آیا وظیفه امام زمان فقط منحصر در کمک رسانی به شیعیان در زمان غیبت است؟ کسانی که این گونه می پندارند سخت در اشتباه اند. و امام زمانشان را نشناخته اند. امام زمان (عج) همانند حضرت خضر نبی، پرتلاش پنهان است

۱۰. برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام عالی در محضر مقام معظم رهبری مدظله العالی در هشتم محرم سال ۱۴۰۲

برای تحقق بخشیدن به پروژه اصلی پیامبران الهی که همان تشکیل حکومت جهانی است. « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكُوِّرَةَ الْمُشْرِكُونَ »<sup>۱۱</sup> او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند!

پروژه‌ای که همه انبیا تا آخرین پیامبر رحمت برای تحقق آن تلاش کردند. اما این امر در زمان ایشان تحقق نیافت و این امر به دست امام زمان (عج) خواهد بود. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»

نقشه راه تحقق این هدف بزرگ الهی چیست؟ انسان بصیر در زمان غیبت امام زمان هر کاری در جهت تحقق ظهور لازم باشد را باید انجام دهد. اما اصلی‌ترین کار حضرت، فراهم آوردن زمینه ظهور است. و این ریل‌گذاری در دوران غیبت با کمک خود حضرت می‌بایست توسط زعمای شیعه اتفاق بیفتد. از زمان غیبت صغرا تاکنون در مراحل مختلف ۶۱ زعيم در جامعه شیعی حضور داشتند از نواب اربعه گرفته تا آیت‌الله بروجردی و

امام (ره) و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی تا زمینه ظهور را فراهم سازند. چنانکه توفیق شریف در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب به نقل از عمر بن حنظله فرمودند: «مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه»<sup>۱۲</sup> مرحله‌ای که مرحوم شیخ کلینی و شیخ صدوق و دیگران زیرساخت‌های فرهنگی شیعه را جمع می‌کردند.

مرحله دیگر در زمان حمله مغول‌ها به ایران، شیعه توسط زعمایی مثل خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی‌ها حفظ شد و خطر را از شیعه دور کردند.

مرحله‌ای دیگر سلطنت شیعی را در زمان صفویه توسط زعمایی چون شیخ بهایی رقم زدند.

در مرحله‌ای دیگر میرزای شیرازی مبارزه با استعمار را شروع می‌کند. و همین‌طور مراحل مختلف در طول تاریخ را شاهدیم تا آخرین مرحله که مرحله قبل از ظهور شیعه است و آن تشکیل حکومت ولایی با پرچم مشخص است. مرحله‌ای که در رأس حکومت خود امام زمان نیستند اما

۱۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۰

افرادی جامع‌الشرایط مدیر و مدبر حضور دارند. و مرحله بعدازاین مرحله ظهور حضرت محقق می‌یابد.

چرا این مرحله آخرین مرحله است؟ چون در طول تاریخ، شیعه ولایت فردی و بعضاً اجتماعی داشته است همان‌گونه که در مراحل قبل آمد اما حکومت ولایی نداشته است. وقتی ولی فقیه در رأس قرار گرفت جامعه شیعه باید آماده باشد و این مرحله ماقبل ظهور است.

دوران ظهور، دوران اخلاق و دوران قانون است. برخلاف دوران یازده امام قبلی که جامعه تحمل و صبر نداشته، در دوران امام دوازدهم، برای ظهور و پس‌ازآن، تحمل و صبر جمعی می‌طلبد.

خداوند حضرت را آنقدر در پشت پرده غیبت نگه می‌دارد تا مردم تحمل حکومت ولایی را داشته باشند. در روایت آمده است که پرچم ظهور توسط اقوام ایرانی برافراشته می‌شود. حکومتی برپا می‌شه که سه چیز باید لحاظ شود.

اول: فراهم آوردن عِدّه و عُدّه برای امام زمان (عج) و فراهم آوردن امکانات و قدرت برای آن حضرت. چرا که قرار نیست تخیلی به موضوع

پرداخته شود و فقط منتظر معجزه بود. همان‌طور که مردم به امام نیاز دارند امام هم به مردم نیاز دارد.

دوم: مدیر و افسر کارآمد و لایق می‌بایست در کنار حضرت باشد. تربیت مدیرانی از جنس شهید سلیمانی‌ها و باکری‌ها در همان حکومت زمینه‌ساز قبل از ظهور باید تربیت بشوند.

سوم: تمرین تسلیم در برابر امر ولی و تصدیق کلام و دستور ولی در این حکومت ولایی باید صورت بگیرد. (ولایت‌مداری محض)

### نگاه واقع‌بینانه به حکومت امیرالمؤمنین (ع)

برای برپایی حکومت قبل از ظهور هم عِدّه و عُدّه هم مدیران لایق و کارآموده و هم اطاعت و فرمان‌برداری از ولی فقیه امری ضروری است اما نباید فضا را آرمانی ترسیم کرد و همه مسئولان را در تراز سربازان درجه‌یک امام زمان لحاظ کرد چراکه طبیعی است در این حکومت آدم فاسد و مدیر ناکارآمد پیدا خواهد شد. آن چنانکه در زمان حکومت حضرت امیر (ع) مدیران کار نابلد چون افراد زیر بوده‌اند.

زیاد ابن ابیه استاندار فارس بود. پس از صلح امام حسن (ع) ابتدا از پذیرش بیعت با معاویه سرباز زد؛ اما با وساطت مغیره بن شعبه به شام رفت

و معاویه وی را با استناد به صحبتی از پدرش ابوسفیان، زیاد بن ابی سفیان خواند. وی در دوران حکومت معاویه به حکومت بصره و کوفه رسید. وی پدر عبدالله حاکم بصره و کوفه در دوران یزید بن معاویه است که در واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) نقش مهمی داشت.

در «کامل ابن اثیر» آمده است که ابن عباس در بصره خطای مالی کرد (اختلاس) خبر که به حضرت رسید به پهنای صورت اشک ریخت. کمیل بن زیاد از یاران نزدیک حضرت فرماندار هیت بود اما نتوانست هیت را اداره کند و چون ضعف مدیریت داشت حضرت او را کنار گذاشت.

فرمانده لشکر امام حسن مجتبی (ع)، عبدالله بن عباس شبانه ۸ هزار نفر را برداشت و در قبال دریافت یک میلیون درهم به سمت معاویه رفت و موجبات فروپاشی لشکر امام حسن مجتبی (ع) را فراهم ساخت.

با این اوصاف این سؤال مطرح می شود که آیا حکومت امیرالمؤمنین (ع) و یا دوران حکومت کوتاه امام حسن مجتبی (ع) بر مبنای اسلام بوده است یا خیر؟ قطعاً بر اساس مبانی اسلام بوده است و آن ریل گذاری آن حکومت ها، درست و جهت گیری ها هم درست بوده است.

نباید با دیدن چهار مدیر فاسد و مفسد در شرایط امروزی ناامید شد. رویش‌ها در حکومت اسلامی کم نبوده است. فرماندهانی که بعد از گذشت چهل سال از انقلاب برای دفاع از جان و مال و ناموس و اسلام جان خود را در طبق اخلاص گذاشته‌اند. حکومت اسلامی ۱۴ قرن بعد از پیامبر چنان خود را قدرتمند ساخته که در دنیا کشورهای به‌ظاهر قدرتمند توان رویارویی با آن را ندارند. همین حکومت اسلامی زمینه افول قدرت‌های پوشالی غرب و شرق را درهم کوبیده است.

انسان بصیر همانند حضرت عباس<sup>(ع)</sup> نه جنگ برایش موضوعیت دارد و نه صلح. بلکه امام زمانش و نایب امام زمانش برایش موضوعیت دارد. و نباید در این مسیر ذره‌ای شک به دل راه داد.

بنابراین ولایتمداری و ولایت محوری الزاماتی دارد که با رعایت این الزامات، خیلی از آرمان‌ها دست‌یافتنی خواهد بود:

- اطاعت عملی، وفاداری عملی و اطاعت کامل از رهبری و ولی امر و فهم این نکته که تنها پذیرش و رأی به ولایت کافی نیست.
- اطاعت عملی از مقومات اصلی و الزامات قطعی ولایت محوری
- بدون فایده بودن رأی، بیعت و شعار ولایت محوری بدون عمل



- پرداخت هزینه‌های ولایت محوری و همراهی با امام، زمینه حاکمیت الهی
- عدم امکان عبور از بحران‌ها و مقابله با شیاطین بدون اطاعت مطلق از

### ولی

امام علی (ع): «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَوْا بَالِيَعَهُ وَالنَّصِيحَةَ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ  
وَالْإِجَابَةَ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمَرَكُمْ»<sup>۱۳</sup>

و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید و هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید.

- رابط مردم با ولی بر مبنای اعتقاد و باور دینی است نه قراردادی و یک انتخاب ظاهری

• چنین رابطه‌ای؛ عاشقانه و سرشار از حبّ الهی، دوستی و محبت به ولی و جانشین او است.

- قرآن مودت و محبت نسبت به جانشینان خدا را جزء مطالبات الهی و الزامات دین‌داری، ولایت محوری و اجر رسالت می‌داند.

۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۴

- پیامبر اکرم (ص): «إِلْزَمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ... فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»<sup>۱۴</sup> به ما اهل بیت مودت بورزید ... پس سوگند به خدایی که جان محمد به دست اوست، عمل بنده به او سود نرساند جز با معرفت ما.
- تکریم و احترام با اعتقاد قلبی باید ظهور بروز داشته باشد.
- چون حقیقت و روح دین، ولایت است، دفاع از ولایت در مقابل هر تهاجم و توطئه‌ای دفاع از دین الهی است.
- دفاع از اندیشه‌ها و خط رهبری، حفظ اسرار رهبر، خنثی کردن توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان، خود را سپر قرار دادن در برابر تیرهای دشمنان به سوی ولایت، هزینه کردن خود برای اهداف و مقاصد ولایت برای حفظ قداست، موقعیت و مدیریت رهبری

### رفتار حاکم اسلامی بسته به نوع رفتار مردم جامعه

ولایتمدار باید چهار ویژگی را داشته باشد. تا بتواند یک ولایتمدار و تسلیم محض ولی باشد. ولی شناس باشد به این معنی که رفتار و منظومه

۱۴. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۶۲

فکری ولی را خوب بشناسد. دین شناس باشد. وظیفه شناس بوده و دشمنان اسلام را به خوبی بشناسد. این چهار ویژگی، مؤلفه های تشکیل دهنده هویت انسان مؤمن جهادی است.

ولایت بر چه اساسی رفتار می کند؟ رفتارشناسی حاکم اسلامی به عنوان ولی و موضع گیری او چگونه است؟ رفتارش چند ضلع دارد که با رفتار مردم تنظیم می شود.

ضلع اول رعایت شرع مقدس توسط ولی است. ضلع دوم لحاظ نمودن مصالح ملک و دین و ضلع سوم اقتضائات جامعه است.

هشدار حضرت علی (ع) به خوارج در جنگ نهروان طبق خطبه ۳۶ نهج البلاغه نمونه ای از رفتار امام جامعه در شرایطی است که خواص جامعه از اطاعت امامشان سرباز می زنند. و امام مجبور می شود برخلاف میل باطنی خود موافق میل مردم و خواص حرکت کنند. «و قد کُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ هَذِهِ الْحُكُومَةِ فَأَيُّتُمْ عَلَيَّ إِبَاءَ الْمُتَابِعِينَ (الْمُخَالِفِينَ)، حَتَّى صَرَفْتُ رَأْيِي إِلَى هَوَاكُمُ، وَ أَنْتُمْ مَعَاشِرُ أَخِقَاءِ الْهَامِ، سَفَهَاءُ الْأَحْلَامِ، وَ كَمْ آتٍ - لَا أَبَا لَكُمْ - بُجْرًا، وَ لَا أَرَدْتُ لَكُمْ ضُرًّا» من شمارا از این حکمیت بازداشتم، اما شما همچون دشمن (مخالف)، از پذیرش دستور من سرباز زدید، تا جایی که رأی خود

را به خواسته شما تغییر دادم که گروهی سبک‌سر و نابخردید. من برای شما شر و بدی نیاوردم و زیان و ضرری برایتان نخواستم.

یا در خطبه سوم معروف به شقشقیه می‌فرماید: «حَتَّى إِذَا مَضَىٰ لِسَبِيلِهِ جَعَلَهَا فِي جَمَاعَةٍ زَعَمَ أَنِّي أَحَدُهُمْ فَيَا لَلَّهِ وَ لِلشُّورَى! مَتَى اعْتَرَضَ الرَّيْبُ فِيَّ مَعَ الْأَوَّلِ مِنْهُمْ حَتَّى صِرْتُ أَقْرَنُ إِلَىٰ هَذِهِ النَّظَائِرِ، لَكِنِّي أَسْفَقْتُ إِذْ أَسْفَقُوا وَ طِرْتُ إِذْ طَارُوا فَصَغَى رَجُلٌ مِنْهُمْ لِيُضِعْنَهُوَ مَالَ الْآخِرِ لِيُصْهِرَهُ مَعَ هُنَّ وَ هُنَّ» آنگاه که عمر درگذشت امر خلافت را در قلمرو شورایی قرارداد که تصور می‌کرد من نیز همانند اعضای آن هستم. خدایا از تو یاری می‌طلبم درباره آن شورا. کی حقانیت من موردشک بود آنگاه که با ابوبکر بودم، تا آنجا که امروز با این افراد هم‌ردیف شده‌ام؟! ولی ناچار در فراز نشیب با آنان موافقت کردم و در شورا شرکت جستم. ولی یکی از اعضا به سبب کینه‌ای که با من داشت [مقصود طلحه یا سعد و قاص است] از من چهره برتافت و به نفع رقیب من کنار رفت و دیگری [عبدالرحمان] به خاطر پیوند خویشاوندی با خلیفه به نفع او رأی داد، با دو تن دیگر که زشت است نامشان برده شود (یعنی طلحه و زبیر)

یکی از مهم‌ترین این اضلاع، اقتضائات است که خود دارای ارکان و ابعادی است. اقتضائاتی که در سطح جامعه وجود دارد و حاکم اسلامی بر اساس آن رفتار می‌کند.

سطح آگاهی و آمادگی جامعه (نخبگان و مردم) در نوع مدیریت حاکم اسلامی بسیار مهم است. اگر تهدید دشمن به‌گونه‌ای باشد که خطرناک باشد و میزان اقتدار نظام اسلامی بالا باشد. در این حالت چند احتمال وجود دارد:

**احتمال اول:** اگر آگاهی جامعه بسیار بالا بوده و تهدید دشمنان نظام، آجل و مدت‌دار و اقتدار نظام هم بالا باشد شرایط نابی است چون‌که در این حالت حاکم نظام اسلامی با آرامش، کاملاً شفاف برخورد کرده و با تعلیم و تربیت، جامعه را رشد می‌دهد.

**احتمال دوم:** اگر آگاهی جامعه بالا بوده و تهدید دشمنان نظام آنی و اقتدار نظام بالا باشد در این حالت ولی، انقلابی عمل کرده و بازهم شفاف برخورد می‌کند.

**احتمال سوم:** اگر آگاهی جامعه تزلزل داشته باشد یعنی ثبات نداشته باشد و تهدید دشمن هم آنی باشد و اقتدار نظام بالا باشد؛ در این شرایط ولایت

مقتدرانه بسته عمل می‌کند و پیام می‌دهند. منتهی نکته مهم آنجاست که خواص و مردم پیام را خوب بفهمند یا نفهمند.

حضرت آقا گاهی نکته بسیار مهمی را بیان می‌فرمایند که هر کس اعم از عوام و خواص بنا به ظرفیت خود برداشت متفاوتی داشته‌اند. و افراد و جریان‌ها تفسیر متفاوتی از فرمایشات معظم له دارند. طرح اقتصاد مقاومتی، شبیخون فرهنگی، آتش به اختیار، جهاد کبیر، جهاد تبیین و ... نمونه‌های بارز این اتفاق است. که حضرت آقا در برخی از ایام خودشان مجبور می‌شوند به تفسیر نکات ارائه‌شده پردازند.

حضرت آقا سال ۹۴ فرمودند: «گاهی اوقات مشکلات فرهنگی موجب شده که من شب خوابم نبرده ...»<sup>۱۵</sup> حال عوام و خواص جامعه چقدر توانستند نسبت به مقوله فرهنگ دغدغه‌مند بوده و در راستای عملیاتی کردن فرهنگ ناب اسلام و سبک زندگی اسلامی و فرهنگ‌سازی اقداماتی انجام دهند؟!!

۱۵. بیانات در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۷ به مناسبت هفته دولت

**احتمال چهارم:** اگر آگاهی جامعه پایین بوده و جامعه نیازمند تبیین باشد و تهدید دشمن آنی و اقتدار نظام هم پایین باشد در چنین شرایطی ولی فقیه چاره‌ای ندارد که یکی از دو کار را انجام دهد. یا عاشورایی عمل می‌کند که البته مشروط بر اینکه قیام عاشورایی و خون ثمر داشته باشد و یا شورایی عمل می‌کند.

### و اما شرایط امروز جامعه اسلامی:

الآن در شرایطی هستیم که آگاهی تزلزل داشته و تهدید دشمنان نظام آنی و نابودکننده اما اقتدار نظام بالاست. حضرت آقا صراحتاً در این شرایط اعلام آمادگی می‌کنند و هشدار می‌دهند و مسئولین و مردم را بیدارباش می‌دهند و این لزوماً به معنای جنگ نیست. در تمام عرصه‌ها باید پیام را بگیریم. خیلی جاها بسته می‌فرمایند.

وظیفه مردم در این شرایط، همراهی قاطعانه با ولایت است. وظیفه همه مردم و مسئولین جهاد تبیین و تزکیه توأم با بصیرت با مؤلفه‌های زیراست؛

۱. آگاهی بخشی و آماده‌سازی جامعه اعم از نخبگان و مردم
۲. شناخت نقشه دشمن که به تعبیر حضرت آقا از مصادیق بارز جهاد

فی سبیل الله است

۳. تزکیه و تربیت به معنی بازسازی سازمان جهادی و انقلابی اوایل

انقلاب

۴. یاری ولی.

### ویژگی‌های امت تمدن ساز

با توضیحات ارائه شده اگر مردم در حکومت اسلامی ملازم ولی حرکت کردند جزو امت‌های پیشتاز خواهند بود. کما اینکه در طول بیش از چهار دهه گذشته هر جا همراه با ولایت حرکت کردیم و مدیریت مسئولان و رفتار مردم بر اساس منویات رهبری بوده موفق بودیم و هر جا کوتاهی صورت گرفت چیزی جز خسران را شاهد نبودیم.

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در مهرماه ۱۳۹۰ در جمع مردم کرمانشاه فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) را برشمردند. ضمن اینکه در جلسات مکرر نیز به این امر اشاره و برای رسیدن به آن‌ها، وظایف و انتظاراتی که از مردم و کارگزاران نظام اسلامی می‌رود را ذکر فرموده‌اند.

با استناد به فرمایشات معظم له قرار است ملت مسلمان ایران، ملت پیشتاز و تمدن ساز باشد و اگر امتی بناست پیشتاز و تمدن ساز باشد باید



به الزامات آن توجه کند. در طول تاریخ امت‌های مختلف مثل امت نوح یا نتوانستند پایبند الزامات تمدن ساز باشند و یا همانند قوم بنی‌اسرائیل نتوانستند استمراردهنده باشند. برای تحقق این امر مهم، پایبندی به الزامات تحقق‌بخش لازم و ضروری است:

الف) پیوستگی به آرمان‌های رهبری الهی و دوری از تبعیت از امام نار و اینکه نباید اجازه داد تا عرصه دین، مکتب ناب و رهبری جامعه، جولانگاه بدل سازان شود. همسویی اعتقادی، نگرشی و گرایش با رهبری دینی یعنی رعایت تولی و تبری در راستای منویات مقام رهبری الهی.

ولایتمدار واقعی در مقام تبعیت و اطاعت، نمی‌تواند « نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ »<sup>۱۶</sup> باشد و آسیب مهم در این موضوع، اطاعت گزینشی است. قرار نیست دستور ولایت و حاکم اسلامی مطابق میل ما باشد. قرار نیست هم موافق امام نور باشد و هم موافق امام نار. درون یک انسان دو قلب قرار داده نشده یا جای حق است یا جای باطل. « مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ »<sup>۱۷</sup>

---

۱۶. نساء ۱۵۰

۱۷. احزاب ۳۳

ب) توجه به آرمان‌ها و اهداف بزرگ: اهداف و آرمان‌های نهضت ملت ایران به رهبری امام همانند نهضت پیامبر اسلام (ص) است. این آرمان‌ها شکل‌دهی حکومت دینی در چارچوب گفتمان نبوی و علوی است که کانون بیداری و هدایت حرکت اسلام در منطقه و جهان است. حرکت در مسیر این آرمان‌ها الگویی است در همه عرصه‌ها برای ملت‌های دیگر.

ج) درک موقعیت زمانی: توجه به اتفاقات و رخدادها در شرایط کنونی و اثرات پایبندی به آرمان‌های مقدس نظام جمهوری اسلامی که می‌تواند روزه‌های امید را در اذهان جامعه رونق ببخشد. اتفاقاتی چون سیر نزولی ابهت و ابرقدرتی آمریکا، خیزش و بیداری اسلامی و سقوط چهره‌های آمریکایی در منطقه، عقب‌نشینی و شکست نظام سلطه به همراه ایادی‌شان از سال ۲۰۰۱ تاکنون در شش جنگ رخدادِ توسط آن‌ها برای تغییر در خاورمیانه (جنگ افغانستان، جنگ عراق، جنگ ۳۳ روزه، جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۸ روزه و جنگ سوریه) و عمق استراتژیک ایران از سواحل مدیترانه تا تنگه باب‌المندب، همگی این‌ها نشان‌دهنده موقعیت بسیار مطلوب نظام ولایی است که می‌بایست بدان توجه شود.

د) مقایسه دریافت‌ها و هزینه‌ها: رسیدن به اهداف متعالی قطعاً هزینه‌ساز است اما در کنار این هزینه‌ها فوایدی هم هست. رفتار معقولانه در مقایسه هزینه فایده است که اگر فواید بر هزینه‌ها پیشی بگیرد می‌بایست در طی طریق از هیچ تلاش فروگذار نبود. برای رسیدن به آرمان‌های ناب قطعاً ملت ایران هزینه‌هایی چون شهادت جوانان این مرزوبوم، تحمل فشارها و تهدیدات اقتصادی و نظامی متحمل شده‌اند اما در مقابل این هزینه‌ها، حاکمیت دینی برپاشده است، حیات اسلام در منطقه و جهان تجدید شده است، از حریم اسلام و اهل‌بیت و انقلاب اسلامی پاسداری شده است، پیشرفت‌های مختلف در حوزه‌های مختلف بر اساس آمارهای بین‌المللی را شاهد بوده‌ایم و ده‌ها دستاورد دیگر را در طول بیش از چهار دهه انقلاب با رهبری ولایت‌فقیه داشته‌ایم.

ز) شناخت دسیسه‌های دشمن: در قرآن بیش از ۱۵۰۰ آیه در خصوص دشمن‌شناسی آمده است. شناخت دشمن یکی از مهم‌ترین ملزومات جوامع اسلامی و ولایی است. باور به این نکته که دشمنی دشمنان با نظام ولایی مقطعی نیست بلکه دشمنی آن‌ها مبنایی و بحث عدم وجود نظام ولایی است. ضمن اینکه در دوره‌های مختلف عملکرد غلط و منفی جبهه استکبار

ثابت شده است. امتی که قرار است پیشتاز باشد می‌بایست دوست و دشمن خود را بشناسد تا بتواند همراه خوبی برای ولایت باشد.

ح) حضور مدیران کارآمد و شجاع در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و غیره به‌عنوان افرادی که ملازم ولایت حرکت کنند تا بتوانند جامعه اسلامی و دولت اسلامی و درنهایت تمدن ساز باشند. در این فقره توجه به واقعیت‌ها ضروری است. و نباید آرمانی صرف به این مقوله نگریست چراکه در این صورت خلوص گرایی جلوه می‌نماید که به‌هیچ‌وجه منطقی نخواهد بود.

### نتیجه‌گیری:

بازیگر سیاسی در جمهوری اسلامی می‌بایست همواره آرمان‌های انقلاب و نظام را در ذهن داشته باشد، آن‌ها را پایه ایجاد انگیزه و جهت‌دهی انگیزه‌ها قرار دهد و اهداف خود را در جهت شکوفایی آرمان‌های انقلاب و نظام قرار دهد. باید همواره واقعیت‌های موجود در نظر گرفته شود و با محاسبه و تدبیر، آرمان‌ها را در ظرف واقعیت‌های موجود پیاده کرد و یا واقعیت‌ها را برای رسیدن به آرمان‌ها تنظیم کرد. به عبارتی در این حرکت، نقطه‌عزیمت و آنچه فرد را به کنش وامی‌دارد، آرمان‌هاست. بازیگر سیاسی در صورتی عمل مشروعی در جمهوری اسلامی خواهد داشت که

انگیزه و هدف آن عمل، برای رسیدن به آرمان‌ها باشد. از طرفی، فرد بدون در نظر گرفتن واقعیت‌ها نمی‌تواند به اهداف برسد. در واقع آرمان‌گرایی و واقع‌بینی مانند تاروپود یک فرش درهم‌تنیده‌اند. اگر تار را از پود و یا پود را از تار جدا کنیم، موجودیت فرش از بین می‌رود. نه آرمان‌گرایی صرف می‌تواند یک جامعه را به اهداف خود برساند و نه واقع‌گرایی تنها. بنابراین بهترین و تنها وضعیت، ترکیب مدبرانه این دو مقوله است.